

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتاد و یکم ۱۸/۰۳/۹۹

**موضوع:** اگر امیرالمؤمنین خلیفه می شد چه می شد؟ (۲)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله. از این که امروز به خاطر اشکال فنی برنامه، يك مقدار کلاس با تأخیر انجام شد از همه عزیزان و بزرگواران عذر خواهی می کنم.

دیروز ما چند تا نکته را عرض کردیم که اینها را به صورت فهرست وار عرض کنم. صحبت روی این بود که اگر علی (سلام الله علیه) خلیفه می شد چه می شد؟

ما پنج تا نکته را عرض کردیم

**نکته اول:** که علی زمینه ساز عمل به کتاب و سنت می شد.

**نکته دوم:** علی باعث هدایت مردم به صراط مستقیم می شد.

**نکته سوم:** علی رهنمود جامعه به سوی حق می گشت.

**نکته چهارم:** علی ضامن رفاه دنیوی مردم می شد.

در حقیقت سه تا نکته اول، دوم و سوم مربوط به مسائل دینی مردم است و نکته چهارمی مربوط به مسائل دنیوی مردم است که اگر امیرالمؤمنین خلیفه می شد با درایت و علم به حقایقی که داشت، مردم را به يك دنیای خوب و رفاه و زندگی ایده آل هدایت می کرد.

همان طوری که ما روایت داریم حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) می‌آید و چون يك حکومت جهانی و اسلامی تشکیل می‌دهد و مسائل دنیوی را طوری حل می‌کند که حتی مردم در شهرها و روستاها می‌گردند فقیری برای دادن صدقه پیدا نمی‌کنند؛ اگر امیرالمؤمنین خلیفه بود و از او اطاعت می‌کردند و بیعت می‌کردند، قطعاً زندگی مردم این چنین بود.

پنجمین نکته ای که عرض کردیم این بود که اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد، ضامن رستگاری و سعادت اخروی مردم بود که نبی مکرم اسلام فرمودند:

« أَمَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَئِنِ أَطَاعُوهُ لَيَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ أَجْمَعِينَ أَكْتَعِينِ »

قسم به خدای که نفس من در قبضه قدرت او هست اگر از علی اطاعت کنند تمام مردم را دسته جمعی وارد بهشت می‌کند.

المصنف؛ اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: ۲۱۱، دار النشر: المكتب الإسلامي -

بيروت - ۱۴۰۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ۱۱، ص ۳۱۸

پس اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد این ویژگی را داشت و این اتفاقات می‌افتاد. این يك نکته. البته بعد ما بررسی خواهیم کرد که علی خلیفه نشد چه اتفاقاتی افتاد!

امروز اگر دنیای ما گرفتار این همه تشقت، خلاف و این همه درگیری و این همه کشت و کشتار و ... و اختلاف طبقاتی و فقر خانمان گُش است، همه این‌ها معلول این است که از روز اول ولایت را از مسیر واقعی آن منحرف کردند. که آن را هم ان شاء الله عرض خواهیم کرد.

نکته دومی که دیروز هم من يك اشاره به آن داشتم، در رابطه با رسول اکرم است. آقای «عابدینی» می‌گوید:  
"به نظر شیعه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خلیفه و نصب شد! پس چرا مشکل مردم حل نشد؟" ایشان یا  
می‌فهمد و یا نمی‌فهمد!؟

من احتمال می‌دهم این آقا يك مقدار مشکل فکری دارد و نمی‌فهمد که به مجرد نصب امیرالمؤمنین برای  
خلافت، بنا نیست همه مشکلات مردم حل بشود. همان طوری که با بعثت رسول اکرم بدون آن که از رسول اکرم  
اطاعت و پیروی کنند مشکلات مردم حل شدنی نیست.

لذا ما می‌بینیم قرآن، اطاعت پیغمبر را در ردیف اطاعت خدا قرار داده است. (بنده به همه عزیزانی که تا الان  
سلام گفتند و بعدا سلام می‌دهند عرض می‌کنم: علیکم السلام ورحمه الله و برکاته.) قرآن کریم فرمود:

(مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده.

سوره نساء (۴): آیه ۸۰

آنچه در ذهنم است شاید ما نزدیک به ده، پانزده آیه در قرآن کریم در رابطه با بحث اطاعت رسول داریم.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای  
پیامبر] را!

سوره نساء (۴): آیه ۵۹

و امثال این آیات. من يك آیه را انتخاب کرده‌ام:

## (مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده.

سوره نساء (۴): آیه ۸۰

هرکس از پیامبر اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است. این نشانگر این است که پیامبر آمده مردم را به سعادت برساند. هم سعادت دنیوی و هم سعادت اخروی. ولذا شرط اول رسیدن به سعادتین، اطاعت از پیامبر است. لذا خدای عالم اطاعت پیامبر را همسان با اطاعت خودش قرار داده است.

و یا از طرف دیگر فرمود:

## (وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ)

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

سوره نساء (۴): آیه ۱۴

فرمود: (وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) یعنی: هرکس معصیت خدا و پیامبر را بکند؛ (وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ) یعنی: حدودی را که پیامبر برای مردم معین می‌کند، برای هرکسی و برای هر جامعه‌ای حدی و حدودی معین می‌کند؛ کسی بخواهد از حدودی که پیامبر به امر الهی برای او معین کرده است تعدی کند:

## (يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ)

این نشان می‌دهد بر این که به مجرد بعثت پیامبر، بنا نبود مشکلات مردم حل بشود، همان طوری که نسبت به انبیاء گذشته هم به مجرد آمدن انبیاء، بدون اطاعت از ایشان، مشکلات مردم حل نشد.

شما ببینید درباره رسول اکرم من دو تا مثال خیلی ساده می‌زنم، خود رسول اکرم در قضیه «جنگ بدر»، تمام مردم مطیع فرمان پیغمبر هستند و در این جنگ کاملاً پیروز می‌شوند و پیروزمندانه و با افتخار به مدینه بر می‌گردند و مشرکین سر شکسته به مکه بر می‌گردند.

ولی در «جنگ احد» به خاطر نافرمانی تعدادی از صحابه، سپاه اسلام شکست می‌خورد و بیش از هفتاد نفر از عزیزان رسول اکرم و صحابه به شهادت می‌رسند.

پس ببینید این که می‌گوید:

(وَمَنْ يَغِصِ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ)

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

سوره نساء (۴): آیه ۱۴

و از طرفی هم می‌فرماید:

(مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده.

سوره نساء (۴): آیه ۸۰

در تمام امور چه مسائل سیاسی و چه مسائل اقتصادی و چه مسائل اخلاقی در تمام زمینه‌ها، دستوراتی که رسول اکرم برای مردم می‌دهد، این دستورات ضامن سعادت دنیا و آخرت مردم است.

يك زن و شوهری که در يك منزل زندگی می‌کنند، اگر چنانچه این زن و شوهر هرکدام به وظیفه خودش عمل کند که اسلام معین کرده و پیامبر معین کرده، ائمه معین کرده، اگر هفتاد، هشتاد و نود سال هم زندگی کنند، کوچک‌ترین اختلافی پیش نمی‌آید.

تمام اختلافاتی که حتی در يك جامعه کوچک دو نفره پیش می‌آید، منشأش قانع نشدن هرکس به آن حق مسلمی است که خدای عالم برای آن‌ها قرار داده است.

به تعبیر حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) که فرمود: اگر یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر در يك عصر زندگی می‌کردند، کوچک‌ترین اختلافی باهم پیدا نمی‌کردند. چون تمامی انبیاء تابع دستور الهی هستند و همه به وظیفه و تکلیف خودشان طبق دستور الهی عمل می‌کنند.

پس این آقا که می‌گوید اگر علی برای امامت نصب شد پس چرا مشکلات مردم حل نشد، این يك حرف بیهوده و یاهوای است که می‌زند.

يك تعبیری مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی و خذل لله اعدائه) دارد که می‌گوید: "بعضی از افراد هستند که عامل دشمن هستند. پول از دشمن می‌گیرند و برای دشمن کار می‌کنند، بعضی از افراد هم هستند برای دشمن کار می‌کنند و خودشان هم نمی‌دانند و پول هم نمی‌گیرند." یعنی یاران و کارمندان دشمن هستند بدون آن که از دشمن پولی بگیرند!!

بعضی از افراد هم مثل این آقا که البته من خیلی بعید می‌دانم ایشان کسی باشد که اصلاً «عربستان» ایشان را به حساب بیاورد و برای ایشان بخواهد پولی بدهد.

آن طوری که من در آن شش ساعت مناظره‌ای که داشتم و مقالاتش را مطالعه کردم، این را متوجه شدم و يك مقاله‌ای مفصلی هم علیه ایشان نوشتم و روی سایت گذاشتم دوستان حتما مطالعه کنند.

يك مقاله ديگر هم است كه شايد امروز و فردا ما در سايت بگذاريم كه در رابطه با دعای «الهی عظم البلاء» است. من از همه عزيزان تقاضا می‌كنم اين دو تا مقاله را حتما و حتما مطالعه كنند

و همچنين يك مقاله‌ای هم در رابطه با آقای «محقق داماد» آماده کرده‌ام. ایشان هم آمده يك حرف بیهوده و یاوه‌ای زده و گفته «قضیه چاه پرستی در جمکران و خرافه پرستی و گسترش خرافه در جمکران» يك حرف‌هایی زده كه قلب بسیاری از مؤمنین و بزرگان را به درد آورده است.

البته من در یکی از گروه‌هایی كه اكثرأ اساتید و قضات در آن جا هستند، آن جا مقاله را گذاشته‌ام و دارم آماده می‌كنم ان شاء الله امروز یا فردا روی سايت قرار بدهيم.

به قولی: هر دم از این باغ بری می‌رسد / تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد!

به قدری امروز دوستان مان ما شاء الله شبهاتی را مطرح می‌کنند و حرف‌های نادرست و یاوه‌ای می‌زنند كه ما با وجود این دوستان، ديگر نیازی به دشمن نداريم. خلاصه هر كسی يك گوشه‌ای را گرفته به قولی می‌گوید:

دشمن اگر می‌كشد به دوست توان گفت / با کی بگويم كه دوست مرا كشت

**در هر صورت...**

این آقا می‌آید می‌گوید علی اگر معرفی شد پس چرا مشكلات مردم حل نشد؟ يك حرف كاملا نسنجیده و نادرست و بی حساب است.

قرآن برای پیغمبر آمده می‌گوید:

**(مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ)**

كسي كه از پیامبر اطاعت كند، خدا را اطاعت کرده.

سوره نساء (۴): آیه ۸۰

(وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ)

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

سوره نساء (۴): آیه ۱۴

ولذا نسبت به امیرالمؤمنین هم همین است. شما اگر روایاتی که در رابطه با حضرت آمده را مشاهده بکنید، خواهید دید که فقط و فقط این‌که علی امام مؤمنین و خلیفه است و جانشین پیامبر است، نیست. شما ببینید چقدر ما روایات در رابطه با اطاعت امیرالمؤمنین داریم، و این‌که اطاعت علی، همسان اطاعت پیغمبر است و عصیان علی (علیه السلام) عصیان پیغمبر است؛ اینها یکی دو مورد که نیست. شما ببینید همین:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را!

سوره نساء (۴): آیه ۵۹

تفسیر این آیه خیلی طول می‌کشد و ما اگر بخواهیم وارد این آیه بشویم شاید از بحثمان خارج بشویم. شما ببینید همه آقایان حتی «فخر رازی» هم می‌گویند «اولی الامر» حتماً باید معصوم باشد و اگر معصوم نباشد تناقض در کلام خدا لازم می‌آید.



چون خدای عالم در این جا اطاعت خدا و اطاعت رسول را واجب کرده و اطاعت اولی الامر را هم واجب کرده. اگر «اولی الامر» معصوم نباشد و دستور خلاف شرع بدهد، یعنی خدای عالم گفته تو دستور خلاف شرع «اولی الامر» را اطاعت کن!!

حال آن که ما می دانیم اطاعت «اولی الامر» در مطالب خلاف شرع حرام است؛ ولذا در این که «اولی الامر» باید معصوم باشد شکی نیست.

بعد آقای «فخر رازی» می گوید: ولی ما چه کار کنیم؟ چون ابوبکر و عمر معصوم نبودند ما ناگزیر هستیم از ظاهر آیه دست بر داریم!! یعنی این آقایان یک چیزی در ذهن خودشان درست کرده اند و هر چه که آیات قرآن و روایات، با بافته ها و مطالب ذهنی شان تطبیق کرد، قبول می کنند و اگر تطبیق نکرد رد می کنند!!

یعنی ملاک برای این ها، کتاب و سنت نیست، ملاک برای این ها، آن بافته های ذهنی و تصورات ذهنی شان است.

در کتب شیعه و سنی به صورت مفصل آمده که مراد از «اولی الامر» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) است. من به سراغ روایات می روم که خیلی واضح تر است. از «ابوذر» داریم که نقل کرده است پیغمبر اکرم فرمود:

«مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي»

پیغمبر فرمود هر کس از من اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است. و هر که نافرمانی مرا بکند، نافرمانی خدا را کرده است. و هر کس از علی اطاعت کند مرا اطاعت کرده است و هر کس از علی نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار  
الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص  
١٣١، ح ٤٦١٧

این فرمایش برای چه است؟ اطاعت علی، اطاعت من پیغمبر است. عصیان علی، عصیان من پیغمبر است؛ پس  
معلوم می‌شود فقط معرفی علی برای خلافت، مشکل مردم را حل نمی‌کند؛ نه مشکل دینی مردم، نه مشکل  
دنیای مردم، نه مشکل اخروی مردم، نه مشکل مادی مردم، و نه مشکل معنوی مردم!  
آن که می‌تواند تمام مشکلات در همه حوزه‌ها را حل کند، اطاعت بی‌چون و چرا از دستورات امیرالمؤمنین (سلام  
الله علیه) است.

آقای «حاکم نیشابوری» هم در انتهای نقل روایت می‌گوید:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يُخرجا»

«بخاری» و «مسلم» این روایت را در کتاب‌شان نیاوردند، البته ما چند تا مقاله در سایت داریم آیا روایت «من  
أطاع عليًا فقد أطاعني» با سند معتبر در منابع اهل سنت نقل شده یا نه؟ آنجا کل روایات آمده من فقط یک  
روایت از آن جا آوردم.

نکته دیگری که خیلی جالب است «احمد ابن حنبل» رئیس «حنابله» آورده که پیغمبر فرمود:

«يا علي انه من فارقي فقد فارق الله»

هر کس از من جدا شود از خدا جدا شده است

«ومن فارقك فقد فارقني»

و هر کس از تو مفارقت کند جدا کند از من جدا شده است.

فضائل الصحابة؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ۲، ص ۵۷۰، ح

۹۶۲

یعنی مردم باید نه تنها مطیع امیرالمؤمنین باشند بلکه همگام و همراه علی باید باشند، دقیقاً پای خودشان را جای پای علی ابن ابیطالب بگذارند.

یعنی در تمام مسائل ببینند دستورات امیرالمؤمنین چیست، هر مشکلی برای این‌ها پیش می‌آید خودشان را ملازم امیر المؤمنین بدانند.

من یک دفعه در جلسه‌ای عرض کردم آقا امام صادق (سلام الله علیه) نشسته بودند تعدادی از صحابه هم اطراف حضرت نشسته بودند. «ابو بصیر» و «جمیل ابن درّاج» و دیگران بودند؛ یک پیره زنی وارد شد حضرت فرمود یک مقدار به سوالی که این پیره زن می‌پرسد دقت کنید.

پیرزن گفت: یا بن رسول الله من به خاطر بیماریم نزد پزشک رفتم، پزشک به من دستور داده برای معالجه، شراب بخورم، آمدم از شما سوال کنم که آیا شراب بخورم یا نخورم؟

حضرت فرصت را غنیمت شمرد فرمود: برای چه آمدی از من سوال کنی؟ عرض کرد یا بن رسول الله، آمدم از شما سوال کنم که اگر گفתי بخور، می‌روم می‌خورم، و در شب اول قبر و در قیامت اگر از من سوال کردند چرا شراب خوردی، می‌گویم حجت خدا، امام صادق به من فرمود من هم خوردم.

و اگر فرمودی نخور، نمی‌خورم و اگر سوال کردند چرا نخوردی و مُردی و خودکشی کردی - اگر واقعاً انسان بداند معالجه‌اش در یک دارو است و تعمداً از خوردن آن دارو خوداری کند و این باعث مرگش شود این در حقیقت نازل به منزله یک نوع خودکشی است - می‌گویم امام زمان من چنین دستوری به من داد.

بعد امام صادق (سلام الله علیه) به صحابه رو کرد و فرمود:

«هذه حقيقة الإيمان»

حقیقت ایمان این است.

ولذا رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که می‌فرماید:

من فارقني فقد فارق الله ومن فارقك فقد فارقني»

هر کس از علی مفارقت کند از من مفارقت کرده و هر کس از من مفارقت کند از خدا مفارقت کرده!

فضائل الصحابة؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر: مؤسسة

الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ۲، ص ۵۷۰، ح

۹۶۲

معنایش این است. «هیثمی» هم همین عبارت را می‌آورد و می‌گوید:

«رَوَاهُ الْبَرَّازُ، وَرِجَالُهُ ثِقَاتٌ»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد؛ اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي الوفاة: ۸۰۷، دار النشر: دار الريان

للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۳۵

البته ما در سایت ولی عصر هم يك مقاله مفصلی داریم که آیا روایت: «من فارقتي فقد فارقت الله ومن فارقتك فقد فارقتي» با سند معتبر در منابع اهل سنت نقل شده است یا نه؟ این را هم عزیزان ان شاء الله از سایت بگیرند و مطالعه کنند.

«شیخ صدوق» با سند خودش از «ابن عباس» و او از پیامبر اکرم نقل می‌کند که فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ وَصِيِّي وَ وَزِيرِي»

علی بعد از من امام شما است؛ خلیفه من بر شما است؛ وصی و وزیر من است.

«مَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»

معصیت علی معصیت من است و معصیت من معصیت خداوند است.

«وَ مَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ فِي قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ فَقَدْ رَدَّ عَلَيَّ»

معانی الأخبار؛ ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۳۷۲

این جالب است، عزیزان دقت کنند. می‌فرماید: هرکس بخواهد سخن علی را رد کند در برابر علی بایستد، در حقیقت در برابر من ایستاده است. علی می‌گوید فلان کار را بکن، او نکند، یا به مردم بگوید شما نکنید، حالا چه علی دستور فعلی بدهد و یا دستور قولی بدهد؛

«مَنْ رَدَّ عَلَيَّ فِي قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ فَقَدْ رَدَّ عَلَيَّ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ فَقَدْ رَدَّ عَلَيَّ اللَّهُ فَوْقَ عَرْشِهِ»

ببینید، یعنی کسی سخن علی را رد کند و قبول نکند و به مردم هم بگوید رد کنید و عمل نکنید، در حقیقت سخن خدا را در فوق و بالای عرش رد کرده است!!

این‌ها همه نشان می‌دهد بر اینکه تنها فقط نصب علی برای خلافت ملاک نیست، آن‌چه که ملاک است بعد از قبول کردن امامت علی و بیعت با علی، اطاعت بی چون و چرا از علی، هم قولا و هم فعلا لازم است.

شما ببینید در قضیه حکمیت، امیرالمؤمنین مطلبی فرمود ولی مردم قول علی را رد کردند، چه مصیبتی پیش آمد و چه مسائلی پیش آمد؟! چه بسا می‌شود گفت که اگر قضیه حکمیت انجام نشده بود و قضیه‌ی معاویه در جنگ صفین تمام شده بود، ما دیگر مشکلی امروز در جهان نداشتیم.

وقتی امیرالمؤمنین به مالک دستور می‌دهد از جنگ دست بردار، مالک می‌گوید به علی سلام برسان بگو من در چند قدمی خیمه معاویه هستم و اگر معاویه را نابود کنم دیگر مسئله تمام است. یعنی می‌خواهد بگوید من خیلی به فتح نهایی نزدیک هستم. فرستاده دوم علی می‌رود می‌گوید اگر دست برنداری و دیر برسی، علی را زنده نخواهی دید.

شما ببینید این رد قول علی صورت گرفت و حتی حکم هم که انتخاب شد، چقدر امیرالمؤمنین فرمود «ابو موسی اشعری» صلاحیت برای حکمیت ندارد؛ ولی هیچ‌کس سخن علی را قبول نکرد، همه داد زدند نه، باید «ابو موسی اشعری» حکم باشد. و «ابو موسی اشعری» خیانتی را کرد که الان ما امروز گرفتار این هستیم.

«محمد رشید رضا» در کتاب «تفسیر المنار» فکر کنم جلد ۱۱ صفحه ۲۱۴ است عبارت عجیبی را نقل می‌کند و می‌گوید:

«قَالَ أَحَدُ كِبَارِ عُلَمَاءِ الْأَلَمَانِ فِي الْأَسْتَانَةِ لِبَعْضِ الْمُسْلِمِينَ وَفِيهِمْ أَحَدُ شُرَفَاءِ مَكَّةَ: إِنَّهُ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُقِيمَ تِمْنًا مِنَ الذَّهَبِ لِمُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فِي مَيْدَانِ كَذَا مِنْ عَاصِمَتِنَا (بَرْلِين) قِيلَ لَهُ: لِمَاذَا؟ قَالَ: لِأَنَّهُ

هُوَ الَّذِي حَوَّلَ نِظَامَ الْحُكْمِ الْإِسْلَامِيِّ عَنِ قَاعِدَتِهِ الدِّيمُقْرَاطِيَّةِ إِلَى عَصَبِيَّةِ الْعَلَبِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَعَمَّ الْإِسْلَامُ  
الْعَالَمَ كُلَّهُ، وَلَكُنَّا نَحْنُ الْأَلَمَانُ وَسَائِرَ شُعُوبِ أُورُبَّةِ عَرَبًا وَمُسْلِمِينَ»

تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)؛ المؤلف: محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن  
محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی الحسینی (المتوفی: ۱۳۵۴ھ)، الناشر: الهيئة المصرية  
العامة للكتاب، سنة النشر: ۱۹۹۰ م؛ ج ۱۱، ص ۲۱۴

می گوید اگر ما مسیحی‌ها مجسمه معاویه را از طلا بسازیم و در بهترین چهار راه‌های شهرهای اروپا قرار دهیم  
باز کاری کم کردیم.

چون اگر معاویه نبود، علی فتح می‌کرد و الان اثری از مسیحیت در کره زمین نبود، الان اگر این همه مسیحی  
در روی زمین است همه ما مدیون معاویه هستیم که در برابر علی ایستاد و نگذاشت علی اسلام را در سراسر  
جهان گسترش بدهد.

ما این را چه کار کنیم؟! این‌ها نشان می‌دهد بر این‌که همه این مسائل علت اصلیش این است که به قول و  
نصب پیامبر در مورد علی عمل نشد.

باز «سلیم بن قیس» همین تعبیر را دارد و مفصل است. حالا اگر دوستان سوالی دارند، سوال‌شان را مطرح  
کنند من باز این فایل را تنظیم می‌کنم و در سایت می‌گذارم.

دوستان اگر سوال و فرمایش خاصی دارند بفرمایند. در این هفت دقیقه‌ای که باقی مانده است در خدمت  
دوستان هستیم.

**پرسش:**

«رشید رضا» این را از قول چه کسی نقل کرده است؟

پاسخ:

«رشید رضا» این را از قول یکی از دانشمندان اروپایی نقل می کند.

«أحد كبار علماء الألمان في الأستانة لبعض المسلمين وفيهم أحد شرفاء مكة : ينبغي لنا أن نقيم تمثالا من الذهب لمعاوية بن أبي سفيان في ميدان كذا من عاصمتنا " برلين " فقيل له: لماذا ؟ قال : لأنه هو الذي حول نظام الحكم الإسلامي عن قاعدته الديموقراطية إلى عصبية ، ولولا ذلك »

می گوید این که واقعا نظام حکومت اسلامی را از قانون دموکراسی منحرف کرد و بر یک حکومت کاملا زوری و غلبه ای تبدیل کرد، معاویه بود و اگر نبود؛

«لعم الإسلام العالم كله»

تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)؛ المؤلف: محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی الحسینی (المتوفی: ۱۳۵۴هـ)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سنة النشر: ۱۹۹۰ م؛ ج ۱۱، ص ۲۱۴

باز کتاب «الوحی المحمدی» صفحه ۲۳۲، محمود ابو ریّه، صفحه ۱۸۵ مع رجال الفقه جلد ۱ صفحه ۲۹۹

پرسش:

آیه « یَوْمَ یُکْشَفُ عَن سَاقٍ » یعنی چه؟

پاسخ:



این‌ها در رابطه با قیامت است، کنایه از این است که تمام پرده‌ها کنار می‌رود و اسرار نهفته برای مردم روشن می‌شود. حالا باید به تفسیر مراجعه کرد، آنچه که در ذهنم مانده این است که این عبارت، عبارت اخرای « یَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ » است.

جمله «يُكشَفُ عَنْ سَاقٍ» (ساقها برهنه می‌شود) به گفته جمعی از مفسرین کنایه از شدت هول و وحشت و وخامت کار است.

یعنی «یکشف عن ساق» معمولا انسان شلوار و... می‌پوشد که ساق پایش مخفی باشد و مردم او را نبینند و يك پوششی داشته باشد؛ ولی فردای قیامت دیگر همه چیز روشن می‌شود.

**پرسش:**

لطفا فایل درس را هم در کانال قرار بدهید.

**پاسخ:**

چشم! فایل را می‌دهیم تا دوستان روی کانال بگذارند؛ ولی اگر شما این دو تا فایل که من عرض کردم که در سایت است را ببینید خیلی کامل است.

**پرسش:**

حدیث «وان تؤمروا علیا» هم می‌تواند دلیل باشد.

**پاسخ:**

بله درسته. اهل سنت نقل کرده اند که پیغمبر فرمود:

«وان تُؤمَّروا عَلِيًّا رضي الله عنه وَلَا أَرْأَكُم فَاعِلِينَ تَجِدُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا يَأْخُذُ بِكُمُ الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ»

فضائل الصحابة؛ اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني الوفاة: ۲۴۱ ، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ۱، ص ۲۳۱، ح

۲۸۴

ما در آن جا ده - دوازده تا روایت داریم و در بحثها مفصل آوردیم.

**پرسش:**

این که نقل است حضرت زهرا به امیرالمؤمنین گفت قیام کن، مگر نمی بینی حقت را گرفته اند! آیا اعتراض حضرت زهرا منافات با درک شرایط حضرت امیر ندارد؟

**پاسخ:**

«ثبت العرش ثم انقش»؛ اولاً شما بفرمایید حضرت زهرا در کجا به امیرالمؤمنین فرموده قیام بکن! اول این را برای ما بیاورید تا ما جوابش را بدهیم.

این که در رابطه با حضرت زهرا (سلام الله علیها) نقل است که می گویند به حضرت امیر فرمود "مثل بچه ای در چنین نشسته ای و حقت را پایمال می کنند" این سندی ندارد و بعضی ها مثل مرحوم «سید جعفر مرتضی» می گوید این در حقیقت زبان حال مردم است. یعنی مردم این چنین تصور می کنند.

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) اگر می خواست قیام بکند، از اسلام دیگر خبری نبود. صد نفر دوپست نفر طرف امیرالمؤمنین را می گرفتند و تعدادی طرف خلفا را می گرفتند و کشت و کشتار داخلی انجام می شد.

از آن طرف دو تا دولت بزرگ «ایران» و «روم» در کمین نشسته اند تا اسلام را از بین ببرند. این ها اگر می آمدند، به طور کلی همین چهار تا بچه مسلمانی که به ظاهر نماز می خواندند هم از بین می رفتند و لذا از اسلام هیچ خبری نبود.

## پرسش:

سوال می‌شود بحث از خلافت حضرت امیر يك بحث تاریخی است و گذشته است. پس چه دلیلی وجود دارد که دوباره بحث شود که موجب اختلاف مسلمین بشود.

## پاسخ:

برادر من! الان بحث خلافت حضرت امیرالمؤمنین بحث تاریخی نیست، بلکه بحث اعتقادی است. آیا الان وظیفه‌ی ما چیست؟ آیا ما سخن علی را قبول کنیم که می‌فرماید:

«كُونَا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

نهج البلاغة (للصبي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص ۴۲۱

در برابر آمریکا و در برابر اسرائیل! یا نه، سخن آقای «عمر بن الخطاب» را قبول کنیم که می‌گوید:

«فاسمع وأطع وإن أمر عليك عبد حبشي مجدع إن ضربك فاصبر وإن حرمك فاصبر وإن أراد أمرا

ينتقص دينك فقل سمع وطاعة دمي دون ديني»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار

النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت؛ ج ۶، ص ۵۴۴

می‌گوید اگر حاکم اسلامی به کلهات زد و اسیرت کرد و اموالت را گرفت، وظیفه شما تبعیت از ظالم است. ما

چه کار کنیم؟ لذا بحث امیرالمؤمنین بحث تاریخی نیست.

در همان اوائل انقلاب بود، تعدادی از سران «فلسطین» در «تهران» برای دیدار با «امام» (رحمت الله علیه) آمده بودند. البته این قضیه فقط در بعضی از خبرهای محرمانه آمد. آنجا گفته‌اند این که امروز ما داریم از اسرائیل تو سری می‌خوریم و ظلم می‌کشیم به خاطر این است که پدران ما آن روز از علی دفاع نکردند، از زهرا دفاع نکردند. ما داریم تاوان عدم دفاع اجداد و پدران مان را پس می‌دهیم.

### پرسش:

امروز، روز «رد الشمس» است اگر می‌شود چند جمله در این مورد هم بفرمایید

### پاسخ:

دیگر وقت تمام شد، چشم فردا در رابطه با مسئله «رد الشمس» صحبت می‌کنم و یا فایلش را می‌گویم دوستان در کانال بگذارند. يك فایل ما به اسم «رد الشمس» داریم. ببینید رد الشمس در روایات اهل سنت، رد الشمس در مصادر شیعه، این که چند مورد رد الشمس برای امیرالمؤمنین انجام شده ما همه را آوردیم و مفصل هم بحث کردیم. من گمان می‌کنم در سایت هم که دوستان مراجعه کنند موجود است.

فرمایشات آقای «محقق داماد» را ما با تمام احترامی که برای ایشان قائل هستیم، البته ایشان زحمات زیادی هم می‌کشند ولی این که می‌آید این مطالب شاذ را می‌گوید قابل قبول نیست.

شما ببینید الان من در گوگل سرچ می‌کنم: «محقق داماد - چاه پرستی» ببینید این مطلب چقدر در سایت‌ها آمده است. «اعتراض آیت الله محقق داماد به مکتب چاه پرستی در جمکران و خرافه، اعتراض... اعتراض...» این را سایت‌های مختلفی نقل کرده‌اند.

بنده هم در یکی از کانال‌های که اکثر اساتید در آنجا هستند يك جواب تقریباً سه چهار صفحه‌ای دادم. ما با شخصیت افراد کاری نداریم، هرچه افراد محترم باشند و... چرا که ما کاری با این قضایا به هیچ وجهی نداریم.

ما در همین مدرسی که در دارالشفاء تدریس داریم بعد از ما اخوی بزرگوار ایشان که از فقهای واقعا وارسته حوزه هستند و درس خارج تدریس دارد، تدریس می کند. يك روزی من از ایشان سوال کردم و گفتم این اخوی شما چرا بعضی از این شذوذات را مطرح می کند؟

ایشان فرمودند چه کار کنیم، حرف ما را هم ایشان گوش نمی کند. ایشان از این حرفهای نادرست و شذوذات زیاد دارند.

جواب ایشان را ان شاء الله اگر همین امروز من بتوانم تکمیل کنم، روی سایت می گذارم و بعد یکی از طرفدارانش هم در همان کانال يك جوابی به ما داده، جواب ایشان را هم ما در سایت می گذاریم و جواب جواب را هم می گذاریم.

ما پریروز «تهران» بودیم، یکی از اساتید دانشگاه امام صادق می گفت ما اعتراض کردیم یکی از طرفدارانش يك جواب خیلی بیهوده و تندی به ما داده است. ایشان هم آن جواب را برای ما فرستاده؛ ما هم جواب این استاد دانشگاه امام صادق را هم روی سایت قرار می دهیم.

ان شاء الله که خدا به ما توفیق بدهد. چون ما هنوز خیلی حال مان سرجایش نیامده؛ حالا الحمدلله ما کرونا را رد کردیم ولی پسمانده های این بیماری هنوز در تن مان است.

الان که من صحبت می کنم خیلی خسته خسته هستم و احساس می کنم در تمام بدنم به اندازه يك ذره ای رمق نیست و به زور دارم صحبت می کنم. دوستان دیدند که من خیلی صحبت هایم پرشور است.

**پرسش:**

فلاح و یا فساد جامعه بر فساد اعتقاد است.

## پاسخ:

اتفاقاً یکی از مقاله‌های که آقای «محقق داماد» نوشته همین است، که اعتقاد، نشانه فلاح و فساد جامعه نیست بلکه تفکر است. یکی از اساتید بزرگ، فکر کنم آقای «شاپوری» است يك جواب خیلی محکمی به ایشان داده است.

بحث عقیده تنها فایده ندارد؛ شما ببینید در قرآن آنچه که در ذهن من می‌رسد نزدیک به هفتاد آیه دارد که:

**(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ)**

عمل صالح در کنار ایمان قرار گرفته است. البته تعبیر مختلف است، همه‌اش این تعبیر نیست. یا:

**(فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ)**

این تعبیر در قرآن آمده، اعتقاد تنها اگرچنانچه عملی در خارج نداشته باشد هیچ فایده‌ای ندارد. خدا ان شاء الله به همه شما توفیق بدهد و به همه شما عافیت بدهد، از شما التماس دعا داریم.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»